

پیامبر اعظم (ص)

به کودکان محبت کنید، و به آنها رحم کنید و هرفرقت به آنها وعده دادید به آن وفا کنید، چون آنها شما را روزی رسان خود می‌خاند.

باز خوانی مواضع رهبر شهید درباره نسبت سینما، حقیقت و جامعه

# راهبری سینمای نجیب ایرانی



میلاد جلیل زاده

نگاه آیت‌الله خامنه‌ای شهید به سینما یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال ثابت‌ترین وجوه سیاست فرهنگی‌اش در طول ۲۷ سال رهبری بود. رهبر شهید سینما را نه صرفاً یک صنعت سرگرمی، بلکه رسانه‌ای مؤثر برای ساخت و بازتولید هویت ملی می‌دانست، این نگاه باعث می‌شد سینما، هنر هفتم و هنر جامع، اهمیت ویژه‌ای برای ایشان داشته باشد و معتقد بود سینما جذاب‌ترین روی است. ایشان در بیانی دیگر از عبارت «سینمای نجیب ایران» استفاده کردند که نشان می‌داد به این جریان اعتماد دارند. تحلیل ژرف‌نگرانه مواضع و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون سینما، نشان‌دهنده یک «پارادایمی واقع‌گرایانه انتقادی» است که در سطحی فراتر از تنگ‌نظری‌های بروکراتیک عمل می‌کند. در حالی که برخی نهادهای اجرایی و بعضی بخش‌های سنتی جامعه در مواجهه با آثار جالب‌برآنگیزی همچون بدوک، مارمولک، زیر نور ماه و شیر ۱۳۳ گاهی برخورد‌های نامهربانه‌ای داشتند، لایه عالی حاکمیت با درک عمیق از ماهیت زیباشناختی رسانه، این آثار را به عنوان ابزار‌های نظارتی مصلحانه، اصلاحگر ساختاری و بازگو‌کننده تلخ‌های گوارای جامعه پذیرا می‌شد. این رویکرد غیر کلیشه‌ای، ممیزی را نه در قالب سانسور حذفی، بلکه در قالب هدایت معرفتی تبیین کرده و بستری را فراهم می‌ساخت تا سینمای متعهد ایران بتواند بدون هراس از انگ سیاه‌نمایی، به ایفا نقش تاریخی خود در جامعه‌سازی و پیشرفت ملی بپردازد. درباره نسبت رهبر شهید انقلاب با سینما می‌توان بیشتر از اینها صحبت کرد و هر کدام از زوایای چنین بحثی قابلیت بسط گسترده و عمیق را دارند اما در نگاهی کلی و مختصر، می‌توان چند رویکرد مشخص تر را که هر کدام قطب‌نمای بخشی از مسیر فکری امام شهید در نسبت با سینما هستند مرور کرد: اتفاقاتی که نگاه آیت‌الله شهید به نقد اجتماعی، طنزازی در سینما و طرح بحث‌های جدی در خصوص مسائل عمیق معنوی و تمدنی را نشان می‌دهند.

■ **بدوک و راهی که برای نقادی باز شد**

به فاصله ۲ سال از رحلت امام خمینی و شروع دوران زعامت آیت‌الله خامنه‌ای، ماجرای فیلم «بدوک» پیش آمد. ماجرایی که بخش مهمی از نگاه رهبر دوم انقلاب نسبت به سینما را نشان می‌داد. فیلم سینمایی «بدوک» که به عنوان نخستین اثر بلند مجید مجیدی در سال ۱۳۷۰، یکی از گزنده‌ترین و واقع‌گرایانه‌ترین آثار سینمای انتقادی ایران پس از انقلاب است. سناریوی این اثر که با همکاری سید مهدی شجاعی نگاشته شد، ریشه در سفر تحقیقاتی و منطقه مرزی نفتان و محله شیرآباد، با فقر مفرطی نوازش شد که در آن خانواده‌ها به دلیل نداری مطلق، دختران خود را با قیمت‌های بسیار نازل به قاچاقچیان می‌فروختند تا در کشورهای حوزه خلیج فارس منتقل شوند. او حتی به شکل مخفیانه از خانه‌های مصرف دسته‌جمعی مواد مخدر، فیلمبرداری کرد تا اسناد واقعی این فاجعه اجتماعی را ثبت کند. روند ساخت بدوک با کارشکنی‌های گسترده نیروهای انتظامی و امنیتی محلی همراه بود تا جایی که مجیدی بازنشست و با تعهد اجباری برای تعطیلی پروژه مواجه شد. هرچند تیم تولید مخفیانه کار را به اتمام رساند. پس از اتمام تولید، فیلم در حوزه هنری برای مدیرانی چون محمدعلی زم، تخت‌کنیان و سیدمرتضی آوینی به نمایش درآمد. محمدعلی زم شدت به پایان تلخ فیلم اعتراض کرد و مدعی شد «قرار ما این نبود» اما مرتضی آوینی با چشم‌انداز اشکبار از سالن خارج شد و پس از نیم ساعت مجیدی را در آغوش کشید و با تأیید اصالت دراماتیک اثر، زمینه تغییر نگاه حوزه هنری را فراهم آورد. با این حال، دامنه مخالفت دولتمردان وقت به حدی بود که وزیر ارشاد وقت طی نامه‌ای دستور توقف حضور بین‌المللی فیلم را صادر کرد. نقطه عطف این پرونده، نمایش خصوصی فیلم بدوک در حضور آیت‌الله اشمنگ از سوی مسولان نظام بود. مجید مجیدی روایت می‌کند که پس از آن: «پایان فیلم، رهبر انقلاب بندت ناراحت و افروخته شدند و خطاب به حاضران گفتند: «اگر فیلم مبتنی بر درام است که حرفی نیست اما اگر مبتنی بر واقعیات است من حرف دارم.» پس از تأیید اصالت مکتوب و واقعی حوادث توسط نویسندگان، ایشان با لحنی تند

**روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی**

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد اخوندی
مدیرعامل: زما شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پيامرسان: @vatanemrooz
پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰



در حوزه سینمای جنگ نیز مواجهه ایشان با فیلم «شیر ۱۴۳» به کارگردانی ترگس آبیار، نمونه دیگری از این تساهل زیباشناختی است. در حالی که لایه‌هایی از مدیریت فرهنگی وقت، این اثر را به دلیل نمایش رنج‌های جانگاہ و فرساینده یک مادر در انتظار فرزندش، اثری صدارزش و تضعیف‌کننده روحیه حماسی جامعه می‌دانستند، رهبر انقلاب با رد این ادعاها فرمودند: «من تعجب می‌کنم چطور ممکن است کسی تصور کند فیلم شیر ۱۴۳ صدارزش یا ضد دفاع مقدس است- من نمی‌فهمم از کجای فیلم این درمی‌آید؟» ایشان تبیین کردند که اهمیت دفاع مقدس اتفاقاً در همین احساسات پدیدل مآدرانه و تحمل رنج هجرت و شهادت فرزند است و این واقعیت‌ها عظمت حماسه را در وجدان می‌کنند. همچنین در نمونه‌ای تاریخی، ابراهیم حاتم‌ی کیا فاش کرد پس از ساخت فیلم «زُ کرخه تا راین»، جنابزبان دفاع مقدس نامه‌ای ۵۰۰ صفحه‌ای در اعتراض به فیلم به دفتر رهبری ارسال کرده و مدعی شدند این اثر آبروی مجاهدان را برده است اما تأیید عمیق و هوشمندانه رهبری از فیلم، مانع برخورد حذفی با این اثر شد.

■ **منشور مفاهمه در نشست تاریخی سال ۱۳۸۵ با کارگردانان سینما**

یکی از بی‌سابقه‌ترین و عمیق‌ترین رویدادهای ارتباطی میان حاکمیت و اهالی سینما، در عصر ۲۳ خرداد ۱۳۸۵ رقم خورد؛ نشست صمیمانه و بدون تروش میان ده‌ها کارگردان از طیف‌های مختلف فکری و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که ۳ ساعت به طول انجامید. اهمیت این دیدار در حضور چهره‌های شاخص سینمایی بود که بعضاً تحت عناوینی مثل مستقل، دگراندیش و غیراسلام‌گرا شناخته می‌شدند؛ افرادی مانند تهمینه میلانی، کیانوش عبیاری، فریدون جیرانی، رسول صدرعاملی، محمدرضاصلانی و علیرضا نژیسیان در کنار فیلمسازان نزدیک به نظام نظیر حاتم‌ی کیا و مجیدی.

در این نشست ۱۶ کارگردان با صراحت تام به تشریح دغدغه‌های ساختاری سینمای ایران پرداختند. سرفصل انتقاده‌ها و پیشنهادات آنان شامل موارد زیر بود:

-انتقاد جدی از عدم امنیت شغلی و فکری در پرداختن به سوزهای حساس اجتماعی و ممیزی‌های سلیقه‌ای

- لزوم تمرکز بیشتر بر تولید روایت‌ها و مقابله با باندهای پنهان و مافیای اکران

- لزوم حمایت دولت از زیرساخت‌ها، سالن‌سازی و به رسمیت شناختن سینما به عنوان یک صنعت بومی

-نقد ضعف ارتباطی میان ادبیات داستانی ایران و سناریونویسی سینمایی

- دفاع از فیلم مستقل در فستیوال‌های بین‌المللی و لزوم سیاست‌گذاری صحیح حاکمیتی در قبال جهانی‌سازی فرهنگی.

آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به مطالبات هنرمندان، مواضعی را اتخاذ کردند که منشور تعاملی جدیدی میان سینما و حاکمیت ترسیم کرد، ایشان با ابراز خرسندی از

شهادت نوه رهبر شهید انقلاب سندی دیگر از خوی ضد انسانی رژیم صهیونیستی

## صهیونیسم؛ دشمن اول کودکان

این است که هیچ کدام از اینها، حتی وقتی واقعی باشند، نمی‌توانند سیاست را از پاسخگویی در برابر زندگی معاف کنند. دولت اگر برای امنیت خود زندگی را بی‌محیا ناپود کند، دیگر نمی‌تواند مدعی دفاع از امنیت باشد، چون امنیت اگر به معنای امکان زندگی نباشد، فقط نام محترمانه‌ای برای قدرت کثنت است. من از همین نقطه است که به صورتجدی عملکرد صهیونیسم رژیم اشناگر فلسطین می‌پردازم، چرا که بر این عقیدام عملکرد این رژیم را تنها با قرار دادن جایثانی که در ایران مرتکب شده در کنار آنچه در غزه، سوریه، لبنان و دیگر نقاط منطقه رخ داده است، می‌توان به‌درستی درک کرد.

■ **آمریکا و رژیم صهیونیستی ماشین کشتار جمعی علیه انسان هستند**
در این زمینه نباید از نظر دور داشته باشیم که ما با خطاهای پررکنده یک دولت معمولی روبرو نیستیم، بلکه با منطق سیاسی‌ای روبرو هستیم که کشتار را به ابراز عادی سیاست تبدیل کرده است. در این منطق، خانه، بیمارستان، خانواده، کودک و حتی خود اید کودکی ممکن است در زمره اهداف نظامی قرار گیرند. بعد از چنین پیشگامی است که همه اینها در زبان رسمی امنیت، دفاع، عملیات پیشگیرانه یا مبارزه با تهدید توضیح داده می‌شوند. این همان لفظهای است که زبان سیاست به زبان نویسندگان جنایت تبدیل می‌شود. رژیم صهیونیستی سال‌هاست که تلاش کرده خشونت خود را در پوشش امنیت توضیح دهد، در حالی که تقریباً برای همه ما معلوم است امنیت که از دل کشتار کودکان، تخریب خانه‌ها، محاصره شهرها، بمباران مدرسه‌ها و اوارگی خانواده‌ها بیرون می‌آید، ربط زیادی با مفهوم اصل امنیت ندارد. این امنیت، نام دیگری است که صهیونیست‌ها برای سلطه انتخاب کرده‌اند، یا اگر دقیق‌تر بگوییم امنیت در ادبیات رژیم صهیونیستی نام دیگری برای ترس است؛ نام دیگر زندگی برای مردم سزای مرگ انسانی‌هایی که پیشاپیش از دایره شایستگی زندگی بیرون گذاشته شده‌اند. صهیونیسم در این معنا فقط یک پروژه اشغال

## کلمه فقیه در نماز شهید

میت مرسوم و تا صحن مسجد مقدس جمکران می‌رود تا بشوند اولاً «گواهی می‌دهیم او شهید اسلام و قرآن و عزت است». آیت‌الله یادمان می‌آورد جسم و جان رهبر شهید در راه احیای امر اسلام و تحقق احکام و مضامین قرآن و عمل به روایات معصومین فرسود و در ناشی می‌گوید «لکه کشته گبان اسلام است» که اشاره دارد به آن حدیث بنیادین اعطای ولایت به فقیه در دوره فقیهت که فقیه را مرزبان و پاسدار اسلام که مانع متروک شدن احکام دین است، معرفی می‌کند و ثلثاً تصریح می‌کند آیت‌الله خامنه‌ای شهید «کشته‌راه عظمت، سیادت، فرمانروایی و وحدت» است و اینچنین تأکید می‌کند عزت و سرفرازی امروز جمهوری اسلامی ایران و علمداری تشیع علوی در مبارزه با یزیدیه‌های فاجر و فاسد زمانه، مروه و مدیون کوشش و جد و جهد میثیری است که اینک به اراده الهی، جانش را در راه باورش تقدیم کرده آیت‌الله البته پس از ۲ بار گفتن «زل یک» که به معنی وارد شدن معمولی است، می‌گوید «زل عندک» که به معنی تشرف سرفرازان‌ه در ضیافت مرگ به آستان الهی است، اینچنان که به تعبیر قرآن، شهدا عند ربهم روزی می‌خورند. اما پیشاپیش همه این توصیفات، تعبیر پنجگانه «مجاهد» و «مبایع» و «ورع»



حمید ملک‌زاده

بیرون نخواهد رفت: ثبوت کوچک دختری یک سال و ۲ ماهه، روی ثبوت مادرش. تصویری که اگر از زمینه خشونت بیرون کشیده می‌شده، می‌توانست تصویر گهواره‌ای باشد در کنار مادر؛ گهواره‌ای که مادری کنار آن نشسته، کودک خود را نگاه و نوازشش کرده و از بودن او در جهان مراقبت می‌کند. با این حال آن تصویر زمختی که ما این روزها می‌بینیم، تصویر تن زنجور کودکی نوپا بر دوش ثبوت مادر است که احتمالاً با اضطراب از دست دادن فرزند، چشمانش را از جهان بسته است. محارری که دیگر نمی‌توانست دخترش را در آغوش بگیرد، با کودکی که هنوز حتی فرصت نکرده بود جهان را بر زبان بیازود اما جهان سیاسی، پیش از آنکه او بتواند نام خود را بگوید، نام مرگ را بر بدن او نوشت.

همین تصویر کالی کافی است تا بسیاری از توضیحات رسمی درباره امنیت و امنیت و جنگ برای لفظهای بی اعتبار بیفتند. سیاست، هر قدر هم سخت، پیچیده و خون آلود باشد، وقتی به مرحله‌ای می‌رسد و به نحوی ظهور می‌کند که با کشتن کودکی یک‌ساله مشخص می‌شود، باید در برابر پرسشی بنیادین قرار گیرد: چه فقهی از امنیت ملی می‌تواند کشتن دختری یک‌ساله را همراه با اعضای خانواده‌اش توجیه کند؟ چه منطقی از دفاع، مقابله، باززندگی یا عملیات نظامی می‌تواند چنین مرگی را در خود هضم کند و همچنان خود را اخلاقی، عقابلی یا حتی ضروری بنماد؟ چه نوع سیاسی است که در محاسبات خود، کودک رانه به‌عنوان زندگی، بلکه به‌عنوان هزینه جنبی می‌بیند؟

■ **پرستش‌های اخلاقی بنیادین برای سیاست معاصر**

ادامه از صفحه اول

تاملی از اینکه از خاک برآمدم و به خاک بازمی‌گردیم و جز خاک نیستیم؛ و رفعت و جاه و شان و شوکتی که به واسطه ثروت و مکتب و مال و مقام یافتیم، هیچ‌یک به‌هم‌راهم نیستند در سفری که به تعبیر پدر خاک، حضرت امیرالمومنین، طولانی است و شگفت و مهیب.

اما این شگفت‌ترین و عظیم‌ترین، سفر رحمت و آسودگی خواهد بود،اگر به طریق ایمانی طی بشود و ایمان، در دنیا اینچنان محک و خورد از آزمون می‌شود که خوشترن، خود را می‌شناسد و بالاترین و والاترین سیقل و صافی وجود، آن است که جان بدهی و توشه بگیري و این معامله حاصل نمی‌شود جز با شهادت ماجرای شهادت با همه مرگ‌ها فرق دارد، تا آنجا که آداب تشییع و تجهیز شهید با یک میت معمولی تفاوت دارد. شهید، شهید نمی‌شود، جز آنکه معاش و معیشتش بر اثر ایمان، خیر باشد برای همه اهل زمین و همچون پیامبران، آن بهرمنندان از تکلم و حیثی با خاندان، تمام وجودشان، نیکی و گشایش و احسان و تصدق.